

عنوان مقاله:

شکسته نویسی در ادبیات کودک

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات ادبیات کودک، دوره 11، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

مهدی حجوی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی ایران

خلاصه مقاله:

در ادبیات کودک اگر از کودک انتظار برود که علاوه بر یادگیری زبان معیار با گویش محاوره ای و واژگان شکسته هم روبه رو شود، دچار نوعی دوگانگی خواهد شد. پیشنهادهای مقاله برای حل این دوگانگی عبارتند از: اول: تاکید بر راه حل محمود کیانوش یعنی استفاده از «نحو شکسته» به جای «واژه های شکسته». دوم: انتخاب واژه ها از میان مترادف ها نه فقط متناسب با فهم مخاطب بلکه متناسب با لذت آن ها از خواندن داستان. سوم: توجه به جغرافیا و عرف زبانی منطقه ی خاصی که متن در آن جریان دارد. چهارم: توجه به این نکته که واژه های سالم بدون نیاز به شکسته شدن، خود در موقعیت و فضای داستانی در ذهن مخاطب می شکنند. پنجم: گزینش واژه هایی که در عین سالم بودن، در گفت و گوهای اغلب مردم به کار می روند. ششم: توجه به واژه هایی که در ادبیات رسمی و حتی کهن وجود دارند اما در عین حال در محاورات مردم جاری اند. هفتم: بهره گیری از ضمائر ملکی متصل و حذف واژه هایی دست و پاگیر مانند «است» که کمک می کنند تا داستان به گویش مردم نزدیک شود. هشتم: توجه به این نکته که در داستان های تاریخی شکنستن واژه ها ممکن است فضای گفت و گو را لوٹ کند. نهم: اگر به هر علتی تصمیم به شکنستن واژه گرفتیم، بهتر است در این کار زیاده روی نکنیم. دهم: توجه به استثناهاست. در مواردی که سالم نویسی تصنعی جلوه می کند بهتر است واژه به شکل شکسته آورده شود. در پایان مدل «کاهش تعداد هجا»ی علی صلح جو نقد و مدل «نثر طبیعی» پیشنهاد شده است. بر اساس این مدل، تعیین چپستی و چندوچون محاوره با قاعده میسر نیست. برای تعیین محاوره «خود نویسنده و منطق داستانش» ملاک اصلی هستند. پارادایم پژوهش کیفی با رویکرد تفسیری و شیوه ی داده کاوی قیاسی استقرایی و روش گردآوری منابع کتابخانه ای است.

کلمات کلیدی:

کلیدواژگان: ادبیات کودک، داستان کودک، شکسته نویسی، محاوره، گویش، زبان معیار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1454037>

